

پژوهشنامه تمدن ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال سوم، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

تجلی گروه اجتماعی عیاران، ویژگی‌ها، سنت‌ها و آموزه‌های آنان در شعر

حافظ شیرازی

محمد کشاورز بیضایی^۱

چکیده

عیاران، از زمره گروه‌های اجتماعی تأثیرگذار در تاریخ ایران به شمار می‌روند. هجوم مغول و پیامدهای سیاسی و اجتماعی حاصل از آن، در سده‌های هفتم و هشتم هجری، زمینه فعالیت و کنش‌گری عیاران را فراهم نمود و دامنه پاره‌ای از ویژگی‌ها، آموزه‌ها و سنت‌های اجتماعی و تاریخی آنان را به متون ادبی و عرفانی این دوره، از جمله دیوان حافظ، کشانید. نوع نگاه حافظ به این گروه اجتماعی و چگونگی تجلی ویژگی‌ها و سنت‌های اجتماعی آنان در شعر وی موضوع قابل‌درنگی است که به آن پرداخته نشده است. این جستار با روشی توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به این سوالات است که حافظ چه ویژگی‌ها و آموزه‌هایی از عیاران را در شعر خود وارد نموده؟ و نوع نگاه وی به این گروه اجتماعی و میزان همپوشی آن با واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی چگونه است؟ یافته‌ها بیانگر آن است که حافظ با شناخت از شهرت و اثرگذاری عیاران در فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی گذشته و زمانه خود، به بازتولید پاره‌ای از ویژگی‌ها، سنت‌ها و آموزه‌های مثبت عیاران، از قبیل: شجاعت و بی‌باکی، خوشباشی، زیرکی و چالاکی و برخی ویژگی‌های نکوهیده و منفی آنان، نظیر: سنگدلی، شهر آشوبی، شب‌روی و راهزنی در دیوانش مبادرت ورزیده است. وی از منظری واقع‌بینانه و به اشکالی مستقیم و غیرمستقیم، این گروه اجتماعی، ویژگی‌ها و آموزه‌های اجتماعی و فردی آنان را در خدمت غنابخشی به معماری و محتوای برخی از اشعارش قرار داده و با خلق مضامین عاشقانه، عارفانه، تعلیمی، نیز تصاویر، فضاها و ذهنی سحرانگیز و تازه از آن، به توفیقی کم‌نظیر دست یافته است.

واژه‌گان کلیدی: عیاران، تجلی، سنت‌ها، دیوان حافظ شیرازی.

^۱. دکترای تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تبریز. mkeshavarz_59@yahoo.

***The Manifestation of the Ayyaran Social
Group, their Characteristics, Traditions and Teachings in Hafiz's Poems***

Abstract

Ayyaran was one of the effective social groups in the history of Iran. The Mongol invasion and its political and social consequences, in the seventh and eighth centuries AH, laid the ground for the activity and activism of the Ayyaran and the reflection of some of their characteristics, teachings and traditions in literary and mystical texts of this period, like *the Divan of Hafiz*. Hafiz's view of this social group and how their social characteristics and traditions are manifested in his poetry is a significant issue that has not been addressed. Using a descriptive-analytical method, this article seeks to answer the following questions: What characteristics and teachings of Ayyaran were included in Hafiz's poetry? And what is his view of this social group and how much does it overlap with social and historical realities? The findings indicated that Hafiz, by recognizing the fame and influence of Ayyaran in the political and social interactions of his past and present, reproduced some of the positive characteristics, traditions and teachings of Ayyaran, such as courage and fearlessness, cheerfulness, shrewdness, agility and some of their reprehensible and negative characteristics, such as cruelty, chaotic city, night owl and robbery in his court. From a realistic point of view, in a direct and indirect way, he puts this social group, their social and individual characteristics and teachings in the service of enriching the structure and content of some of his poems, and by creating romantic, mystical, educational themes, images, and magical and novel sensory and mental atmosphere, have achieved unparalleled success.

Keywords: Ayyaran, Traditions, Manifestation, the Divan of Hafiz.

۱- مقدمه

یکی از ابعاد و ویژگی‌های مهم و چشمگیر شعر حافظ؛ صرف‌نظر از ابعاد زیبایی‌شناسانه، بلاغی و سبکی، عرفانی و محتوایی شعر وی، بعد اجتماعی اشعار اوست. طنین تپش‌های حیات اجتماعی و عناصر آن در شعر حافظ به گونه‌ایست که انگار تاریخ اجتماعی ایران؛ خصوصاً تاریخ اجتماعی سده هفتم هجری در شعر وی نفس می‌کشد.

عیاران در قشربندی اجتماعی و تاریخی ایران، گروهی از افراد دلیر و آزاده‌ای بودند که در ادوار مختلف با نام‌های گوناگون در فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی نقشی مؤثر و بسزا داشته‌اند. آنها غالباً از میان عوام برخاسته‌اند و به خصلت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی نیک معروف بوده‌اند. ورود به این عرصه، برای کمک و خدمت به ضعیفان تنها از جانب طبقات فرودست جامعه مورد استقبال قرار می‌گرفته‌است. آیین عیاری و جوانمردی به عنوان آیینی اخلاقی و اجتماعی همواره یک سری آداب و اصول خود را داشته که مقید بودن به این اصول، از الزامات آن به شمار می‌آمده است. برای منشأ عیاران نمی‌توان تاریخ معینی را ارائه نمود؛ ولی غالب پژوهشگران و مورخان پیشینه آن را به تاریخ پیش از اسلام ربط می‌دهند.

۱-۱. بیان مسأله

جذاییت و شهرت عیاران و اثرگذاری این گروه اجتماعی بر تحولات سیاسی و اجتماعی، موجب شد تا دامنه تأثیر و رسوخ آموزه‌ها و ارزش‌های اخلاقی آنان به گونه‌ای خاص در حوزه ادبیات نیز کشانیده شود و حجم قابل توجهی از داستان‌ها و آثار نظم و نثر مرتبط به آنها از قبیل: داستان سمک عیار، منظومه شمس و طغرا و داستان حسین کرد شبستری را به خود اختصاص دهد. افزون بر موارد یاد شده، ظهور و بروز عیاران به طور عام بر آثار و دیوان‌های شعری شاعران بزرگی چون: فردوسی، سعدی^۱ و حافظ استمرار یافت و پاره‌ای از هنجارها و آموزه‌های فردی و اجتماعی آنان نیز به این دسته از آثار راه یافت. دیوان حافظ شیرازی از

۱ - برای اطلاعات بیشتر از ظهور و بروز عیاران و ویژگی‌های آنان در شاهنامه و اشعار سعدی، نک: محجوب، محمدجعفر (۱۳۵۶)، «روش‌های عیاری و نفوذ کار و کردار عیاران در شاهنامه»، نشریه هنر و مردم، شماره ۱۷۸-۱۷۷، ص ۱۳-۲؛ موسوی، سید جلال (۱۳۹۱). «زمینه‌های ورود سعدی به آیین فتوت»، مجله تاریخ ادبیات، شماره ۳، ص ۱۶۴-۱۴۱.

نمونه‌های آثار منظومی است که این گروه اجتماعی و برخی از آموزه‌ها و سنت‌های مربوط به آن را— علی‌رغم اشعار عرفانی و تغزلی حضرت خواجه— در خود بازتولید نموده است (جدول شماره یک).

جدول شماره ۱: بسامد گروه اجتماعی عیاران، ویژگی‌ها و آموزه‌های مربوط به آن در دیوان حافظ شیرازی.

تکرار و بسامد	گروه عیاران و عناصر مربوط به آن در دیوان حافظ شیرازی
۷	۱- عیاران
۳	۲- طرار
۲	۳- شبرو
۱	۴- شب‌دزد
۱	۵- خوش‌باشی
۱	۶- شجاعت و بی‌باکی
۲	۷- زیرکی و چالاکی
۲	۸- سنگدلی و جسارت
۱	۹- شهرآشوبی
۲۰	میانگن کلی

زمینه‌های اجتماعی و تاریخی زمانه‌ی حافظ و عواملی چون: نقش‌آفرینی و فعالیت عیاران به دنبال هجوم مغول و پیامدهای سیاسی و اجتماعی ناشی از آن در سده‌های هفتم و هشتم هجری، در کنار حضور و هم‌نشینی عیاران در کنار امرای مظفری و اثرگذاری آنان در فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی، تبلور پاره‌ای از خصلت‌ها و ویژگی‌های عیاری و پهلوانی در امرای آل

اینجو و مظفری، نیز اهمیت و جنجال‌برانگیز بودن عیاران، در توجه حافظ به این گروه اجتماعی و کشانده شدن آن به اشعارش بی‌تأثیر نبوده است. در این میان چگونگی ظهور و بروز عناصر و ویژگی‌های این گروه اجتماعی در دیوان حافظ و میزان همپوشی آن با واقعیت‌های اجتماعی موضوع شایسته درنگی است که چندان به آن توجه نشده است. نظر به اهمیت و تازگی موضوع، این جستار در نظر دارد با روشی توصیفی—تحلیلی ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی این گروه اجتماعی در شعر حافظ و میزان توفیق وی از وارد نمودن آنان در اشعارش را مورد بررسی و امعان نظر قرار دهد. بر این مبنا سؤالاتی که این تحقیق درصدد پاسخ‌گویی به آن برآمده این است که حافظ چه خصلت‌ها و آموزه‌هایی از گروه اجتماعی عیاران را در شعر خود وارد نموده و منظر وی به این گروه اجتماعی چگونه بوده و در این راستا به چه میزان توفیق یافته است؟ به نظر می‌رسد حافظ از حضور و اثرگذاری گروه اجتماعی عیاران در تاریخ گذشته و زمانه خود واقف بوده و از منظری مثبت و نکو‌هیده، پاره‌ای از خصایص و آموزه‌های اجتماعی و فردی آنان، همچون: راهزنی، شبگردی، زیرکی، شجاعت و چالاکی را در شعر خود وارد نموده و از آن در راستای غنابخشی به برخی از اشعارش، همچنین خلق مضامین عاشقانه، عارفانه و تعلیمی، حس‌آمیزی و تصویرهای بدیع و سحرانگیز هنری سود جسته است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

آنچه درباره پیشینه این موضوع حائز اهمیت است این است که درباره عیاران در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران و جهان اسلام، پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته است. از جمله: پرویز ناتل خانلری (۱۳۴۸) در مقاله «آیین عیاری» تاریخچه عیاران، آیین‌ها و سنت‌های آن را مورد بررسی قرار داده است. مهران افشاری (۱۳۸۲) در کتاب «فتوت‌نامه و رسایل خاکساری» به توضیح آداب جوانمردی صوفیان در عصر اسلامی پرداخته است. محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۸۶) در کتاب «قلندریه در تاریخ، دگردیسی‌های یک ایدئولوژی» پیرامون بحث در موضوع تاریخ قلندریه، نمایندگان فکری، عناصر و ویژگی‌های این جریان، از فتوت و آیین آن سخن به میان آورده است. عباس احمدوند (۱۳۹۵) در مقاله «خستین نقش آفرینی سیاسی عیاران در بغداد قرن دوم» با استعانت از روش زمینه‌شناسی تاریخی به بررسی اسباب و علل نقش آفرینی سیاسی عیاران در بغداد اواخر قرن دوم پرداخته است. همچنین در مورد عیاران و آموزه‌های

آنان در آثار ادبی منظوم و منثور کارهای چندی صورت گرفته، که از این قرارند: در مقاله «تأثیر شاهنامه‌ی فردوسی بر ادبیات عیاری» تأثیر شاهنامه بر ادبیات عیاری را مورد بررسی قرار داده است. محبوبه همتیان و آزاده پوده (۱۳۹۷) در مقاله «رزم عیاران: تحلیلی بر شیوه‌ها، ترفندها و ابزارها بر اساس داستان حسین‌کرد شبستری» به بررسی شیوه‌ها و ترفندهای رزمی عیاران در داستان حسین‌کرد شبستری پرداخته‌اند. محمد مجوزی و سمیه شاهگلی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی مضامین عیاری، جوانمردی و تعلیمی در رمان شمس و طغرا» مضامین عیاری و جوانمردی و انعکاس آن در رمان شمس و طغرا را مورد بررسی قرار داده‌اند. با اینهمه این آثار به ظهور عیاران و آموزه‌های آنان در دیوان حافظ توجهی ننموده‌اند و راه را برای پژوهشی مستقل و موردی باز گذاشته‌اند.

۱-۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

شناخت و بررسی ظهور و بروز ویژگی‌ها و آداب تاریخی و اجتماعی عیاران در دیوان حافظ شیرازی؛ افزون بر شناخت سیره و آداب عیاران، می‌تواند نوع نگاه و منظر حضرت خواجه نسبت به این گروه تاریخی و اجتماعی و نحوه اثرگذاری و ظهور و بروز آن در شعر حافظ را تبیین و آشکار سازد. همچنین می‌تواند در فهم و شناخت بهتر آن‌دسته از اشعار حافظ که از عناصر و متعلقات این گروه اجتماعی سخن به میان آورده، رهگشا و مؤثر باشد.

۲. نگاهی اجمالی به پیشینه عیاران و آموزه‌های آنان در تاریخ و ادبیات

عیاران از زمره گروه‌های اجتماعی هستند که در تاریخ ایران از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده‌اند. درباره ریشه این واژه دو دیدگاه وجود دارد. برخی از محققان، آن را واژه‌ای عربی و صیغه مبالغه‌ی «غیر» دانسته‌اند، به معنای «نیک پویا» و «کسی که بسیار در آمد و شد» است و برخی براین باورند که این کلمه شکل تازی‌شده واژه‌ای ایرانی است و در پیوند با واژه

«یار». اصل این لغت در پهلوی قدیم «ادی‌وار» یا (adyär) و یا (ayär) بوده که بعدها در شکل‌های «ایی‌وار»، «اییار» و در نهایت «یار» جلوه گر شده است و امکان دارد عیار شکل تازی‌شده یار باشد. برخی از محققان از جمله مهرداد بهار، پیدایش عیاران را به دوران ساسانیان و پیش‌تر از آن می‌دانند.^۱ عده‌ای نیز جریان عیاران را به دوره اشکانی (حسن آبادی، ۱۳۸۶: ۴۰) و برخی نیز آن را به عنوان یک طبقه اجتماعی به سیستان قرن دوم هجری ربط می‌دهند (قبادی، ۱۳۸۶: ۶۹). یکی از قدیمی‌ترین نوشته‌های تاریخ ایران باستان که در آن به نوعی به منش عیارانه اشاره نموده، زند یا ترجمه‌ی پهلوی بند چهل و یکم از فرگرد سوم وندیداد است. در این متن از اشخاصی یاد شده است که دزدیدن از توانگران و ثروتمندان و بخشش به درویشان و فقیران را کاری ثواب و کرفه (پهلوی: kirbag) دانسته‌اند: «اگر از توانگران دزدم و به درویشان دهم همانا کرفه [است]» (Jamasp, 1907, p 95). گروه دوم از منابع مکتوبی که پیشینه‌ی محتوای آنها به ایران باستان می‌رسد روایاتی حماسی، چون: سمک عیار، داراب‌نامه، فیروزنامه، قابوس‌نامه، شاهنامه است. در کنار این روایات فتوت‌نامه‌ها قرار می‌گیرند که حاصل رشد و پرورش آیین عیاری و فتوت در بستر اسلامی است (گشتاسب و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۴). محققان و پژوهشگرانی که به تفحص و بررسی در روایات حماسی فارسی پرداخته‌اند بر این باورند کردار و مرام گروه جوانمردان و عیاران در این متون نمود آشکاری دارد. صفات جوانمردان این داستان‌ها باید بیانگر صفات عیاران ایران باستانی؛ به‌ویژه دوره اشکانی و ساسانی باشد. ویژگی‌هایی چون: شجاعت، جنگجویی، آزادمنشی و وفاداری و جز آن که بهار و ذاکری آنها را در آزادان و اسباران دوره ساسانی یافته و یادآوری کرده‌اند (همان، ۷۵). به طور کلی می‌توان گفت که عیاران گروهی بوده‌اند با راه و رسم و آداب و ترتیب و آیین‌های خاص که دلیری‌های ایشان در طی تاریخ زبانزد خاص و عام بوده و صفحات تاریخ از شرح کارهای ناموران این جماعت، قهرمانانی چون یعقوب لیث و حمزه پسر آذرک خارجی مشحون است (محبوب، بی‌تا: ۲). از ویژگی‌های رفتاری و باوری عیاران می‌توان به مواردی، چون: تلاش در کسب نام و پرهیز از ننگ، صداقت در گفتار و کردار، وفای به عهد، رازداری، حفظ امانت،

^۱ - وی در این باره می‌نویسد: «گویا رشته اتصال عیاران به دوره‌های ساسانی و شاید پیش‌تر از آن عهد می‌کشیده است و آنان یکدیگر را یار می‌خوانده‌اند، مثل ملاحده که یکدیگر را «رفیق، رفقا» می‌خواندند» (بهار، ۱۳۸۸: ۷۷) و نک: حاکمی والا، ۱۳۴۶: ۴؛ جعفرپور و علوی مقدم، ۱۳۹۲: ۱۹؛ کزازی، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

نجابت، شجاعت و سخاوت اشاره نمود. به باور اغلب مورخان این گروه در اصل دزدان و راهزنانی بوده‌اند که از نظم و سلسله‌مراتب خاصی برخوردار بوده‌اند. در جهان اسلام آنان را به نام‌هایی دیگری، چون: شطاران، صعلیک، عقوره و فتاک، طراران، ظرفاء و جوانمردان نیز خوانده‌اند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۹/ ۱۲۲ به بعد؛ ابن جوزی، ۱۴۰۳: ۸/ ۷۲؛ بکری، ۱۹۵۸: ۱۵۳). از منظر بهار عرب‌ها افراد کاری، چالاک، زرننگ و هوشیار را که در آشوب‌ها و غوغاها خودنمایی کرده و در جنگ‌ها از خود چابکی و فراست نشان داده‌اند عیار نامیده‌اند (بهار، ۱۳۶۶: ۱۶۱. ذیل تاریخ سیستان). منابع صفات و ویژگی‌های چندی را به این گروه اجتماعی نسبت داده‌اند. از جمله جاحظ صفاتی نظیر: سارقان، مکاران، غوغائیان و حيله‌گران را برای آنان برشمرده است (جاحظ، ۱۹۷۸: ۲ و ۳/ ۳۹۲، ۵۵۴). کمند انداختن، خنجربازی، زیر پل خفتن، از دیوار قلعه‌ها بالا رفتن، از نقب‌ها گذشتن از مهارت‌ها و توانمندی‌های عیاران بود (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵: ۱۶۹).

با اینهمه عیار اصطلاح یا عنوانی است پرمحتوا که نمی‌توان از آن معنایی شسته و رفته و صریح استنباط نمود؛ زیرا عیار نیز همانند بسیاری از دیگر نمونه‌های مشابه خود (نظیر رند)، گشتاری معنایی را پیموده است و اکنون دو وجه دارد: معنایی نیکو و معنایی نکوهیده. عیار در معنای نکوهیده، دزد، طرار، شب‌رو و رهنز است. اما در کاربرد و معنای نیکو به معنای راد، جوانمرد و مردم‌دوست است که به پاس محبت به مردمان، از هیچ دشواری و خطری هراس نداشته، و همواره به آرمان و نام نیک خود وفادارند (کزازی، ۱۳۸۴، ۱۶۳-۱۶۲؛ جعفرپور و علوی مقدم، ۱۳۹۲: ۱۹).

۳- عیاران در شعر حافظ شیرازی

در تاریخ ایران سده‌های هفت و هشت هجری به دلایل گوناگونی چون: حمله مغول و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاصل از آن، دوره‌ای مهم و قابل درنگ از تاریخ

فعالیت عیاران و پهلوانان به شمار می‌رود. بررسی پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ایرانی در سده‌های یاد شده، بدون شناخت فتوت و تصوف خالی از نقص و اشکال نخواهد بود. آیین عیاری و پهلوانی یکی از نمونه‌های فوق به شمار می‌رود که در این دوران از جایگاه عمیق و گسترده‌ای در جامعه برخوردار بوده است (کرمی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۸). برخی از منابع تاریخی این دوره گزارش‌های فراوانی از مقاومت و نقش آفرینی عیاران و پهلوانان در برابر مهاجمان مغول ارائه داده‌اند. یکی از افراد شخصی به نام حسام‌الدین محمد بود که گروهی از عیاران و پهلوان‌ها را به دور خود جمع نمود و مقاومت جانانه‌ای در برابر مغولان از خود نشان داد (منهاج سراج، ۱۳۶۲: ۱/۱۳-۱۱). شخص دیگر شرف‌الدین خطیب، یکی از عیاران بزرگ خراسان بود که وی نیز در مقابل هجوم مغولان پایمردی و ایستادگی قابل توجهی نشان داد (سیفی هروی، ۱۳۸۳: ۱۵۹). از دیگر سوی دامنه فعالیت‌ها و حضور عیاران در قرن هشتم هجری و زمانه حافظ کاملاً مشهود است. در دستگاه سلسله‌های آل مظفر و سربداران نیز عیاران و پهلوانان در کنار امرا و شاهان حضور داشتند و در فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی نقش قابل‌درنگی ایفا نمودند (نک: کتبی، ۱۳۳۵: ۹۱-۶۱). شاهان و امرای آل اینجو نیز واجد پاره‌ای از ویژگی‌های عیاری و پهلوانی بودند. شاه ابواسحاق اینجو به بخشندگی و سخاوت شهره بود (شجاع، ۱۳۵۶: ۳۰۸، ۳۵۷، ۳۶۵). امیر شمس‌الدین محمد مظفر اولین امیر آل مظفر یکی از پهلوانان سرشناس روزگار خود بود. وی در بسیاری از فنون رزمی نظیر: شمشیربازی، تیراندازی، کشتی‌گیری، نیزه‌گذاری به تعبیر معین‌الدین یزدی «وحد دوران» بود (معین‌الدین یزدی، ۱۳۳۶: ۱۰۳). از دیگر سوی بسیاری از عیاران و پهلوانان در کنار صوفیان بزرگ یا به عنوان ملازم همیشگی یا طرفدار و مرید قرار داشتند. از این قبیل پهلوانان و عیاران می‌توان به کسانی چون: حاجی ابوبکر پهلوان، احمد کشتی‌گیر، پهلوان حداد اردبیلی اشاره نمود (ابن‌بزاز، ۱۳۷۶: ۲۱۵، ۱۴۶؛ کرمی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۲). بنابراین اهمیت، شهرت و جذابیت اجتماعی عیاران، زمینه‌های اجتماعی و تاریخی عصر حافظ، فعالیت و کنش‌گری عیاران و پهلوانان در این دوره، در توجه حافظ به گروه اجتماعی عیاران، ویژگی‌ها و آموزه‌های آنان بی‌تأثیر نبوده است. به طور کلی عیاران در شعر حافظ در دو شکل ایضاحی و مستقیم و شکل غیرایضاحی و یا غیرمستقیم بازتاب یافته است. در گونه اول حافظ لفظ عیاران را به گونه‌ای مستقیم و زنده در شعرش وارد نموده و از برخی ویژگی‌ها و سنت‌های رفتاری و اخلاقی مربوط به آنان در شعرش سخن به

میان آورده است. در گونه دوم حافظ به شکلی غیرمستقیم از عناصر و متعلقات مربوط به این گروه اجتماعی در شعرش سخن به میان آورده و در برخی موارد نیز به استفاده از هم‌معنای لفظی آن همچون «طراران» مبادرت ورزیده است.

۴- ویژگی‌ها، سنت‌ها و آموزه‌های عیاران در دیوان حافظ شیرازی

از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری و اجتماعی عیاران که حافظ به وجهی منفی و مثبت، با اشاره‌ای مستقیم و یا غیرمستقیم در دیوانش به آن اشاره نموده و با استفاده از حس‌آمیزی ذهنی و حسی و استعانت از صناعات ادبی به آن وجهی شاعرانه و هنرمندانه بخشیده است می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۴-۱. شبگردی و راهزنی

عیاری با شبگردی گره خورده و عیار می‌بایست شبگردی را می‌دانست؛ زیرا بسیاری از ترندها و عملیات مستلزم سکوت و خفا بود و این مورد میسر نمی‌شد جز با غروب آفتاب و فرا رسیدن شب. از این رو عیاران شبانه بیرون می‌آمدند و به قتل و کشتار، ربودن، راهزنی، رفت و آمد، آگاهی از اوضاع و آزادسازی یاران اسیر و بطور کلی پیاده‌سازی یا زمینه‌سازی نقشه‌های خویش می‌پرداختند (جلالی‌پندری و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). ارجانی نیز در کتاب با اشاره به این موضوع می‌آورد: «هر شب زلزال را قاعده چنان بودی که بیرون آمدی و گرد لشکر می‌گشتی و احتیاط می‌کردی و نگاه می‌کردی (ارجانی، ۱۳۶۳: ۲ / ۱۹۹). بنابراین شبگردی و راهزنی از ویژگی‌های عیاران به شمار می‌رفت. حافظ در شعر ذیل ارتباط ظریفی مابین ستارگان شبگرد، عیار، و ربودن تاج و کمر (کمربند) و راهزنی برقرار نموده است.

تکیه بر اختر شبگرد مکن کاین عیار تاج کابووس ربود و کمر کیخسرو

(حافظ، ۱۳۹۴: ۴۰۷).

در شعر یاد شده حافظ با اشاره به شبگردی و راهزنی عیاران به آن وجهی منفی بخشیده و با استعانت از این وجهه منفی از ناپایداری دنیا و بی‌اعتمادی به آن سخن به میان آورده‌است. حافظ در شعر زیر نیز با آوردن طرّاران که همان نام و معنای دیگر عیاران است از صفت راهزنی و غارتگری آنان در ارائه مفهوم و تصویری تازه و هنری سود جسته است:

با چشم پر نیرنگ او حافظ مکن آهنگ او کان طره‌ی شبرنگ او بسیار طرازی کند

(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۹۱).

در شعر فوق واژه طرّاران با ظرافتی هنرمندانه در کنار طره و شبرنگ یا شبگون نشسته و فضای حسی و ذهنی بدیع و سحرانگیزی ایجاد نموده است. حافظ در دو بیت زیر نیز باز از صفت راهزنی عیاران در خلق تصویری زیبا و شاعرانه سود جسته است:

گفتم گره نگشوده‌ام زان طره تا من بوده‌ام گفتا منش فرموده‌ام تا با تو طرازی کند

(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۹۱).

عافیت می‌طلبد خاطر من را بگذارند غمزه شوخش و آن طره طرار دگر

(حافظ، ۱۳۹۴: ۲۵۲).

یا در شعر ذیل با اشاره به آیین عیاری، یعنی شب‌روی و دزدی عیاران، از آموختن این آیین توسط سنگدل و نامهربانی که دل شب‌زنده‌داران را ربوده، سخن رانده است:

کدام آهن دلش آموخت این آیین عیاری کز اوّل چون برون آمد ره شب‌زنده‌داران زد

(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

۴-۲. خوشباشی

ایرانیان از دیرباز به اهمیت شادی در زندگی فردی و اجتماعی واقف بودند و آن را جزء اهداف زندگانی خود قرار داده بودند. شادی در کنار چهار رکن خداشناسی، خردورزی، داد و نام، پنج اصل هویت ایرانی را شکل می‌داد (رستگار فسایی، ۱۳۸۱: ۵۶-۳۹). عیش و خوش‌دلی یکی از ابعاد مهم شخصیتی حافظ به شمار می‌رود و در کنار اعتنا فرصت یکی از موضوعات پنجگانه مهم دیوان او را تشکیل می‌دهد (خرم‌شاهی، ۱۳۸۳: ۲۲۷). خوشی و خوشباشی از زمره حالاتی است که انسان‌ها در پی دستیابی به آن هستند و هر کسی بنا به ظرف و معرفت شخصی خود بر آن است تا آن را برآورده‌سازد. خوشباشی یکی دیگر از خصلت‌ها و ویژگی‌های عیاران است. عیاران بر این باور بودند هر چه پیش آید خوش آید و به عبارتی دیگر اندیشه

خوش‌باشی داشتند. حافظ نیز در شعر زیر به شیوه خوش‌باشی عیاران در کنار رندی آنان اشاره نموده‌است:

نیست در بازار عالم خوشدلی و رزان که هست شیوه رندی و خوش‌باشی عیاران خوش است
(حافظ، ۱۳۹۴: ۴۳).

البته باید در نظر داشت که خوشی از منظر عارفان متفاوت از عوام است. از منظر عارفان شادی همچون آب لطیف به هرجا می‌رسد. آبی که گیاه از او می‌روید و از او زنده‌شود و صاف‌شود (شمس تبریزی، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۹۵). لذا عارف شادمان و بشاش و بسیار متبسم است؛ چرا که او در هر چیزی جز حق نمی‌بیند (ابن سینا: ۱۳۸۱: ۳: ۱۰۸۱). در مشرب حافظ نیز اموری مانند شیوه رندی و خوش‌باشی عیاران به علت ماهیت درونی، پیوند با امر قدسی و تبدیل شدن حالت به مقام، عیش مدام یا پایدار شمرده می‌شوند و نتیجه آنها ایجاد آرامش پایدار درونی و رضایت خاطر در زندگی است (باقری خلیلی، ۱۳۸۸: ۱۵). لذا فلسفه حافظ نیز با تأثر از فرهنگ و عرفان ایرانی، فلسفه خوش‌باشی است و اشعار ذیل نیز حاکی از گرایش حافظ به این حالت و خصلت انسانی است:

زمان خوشدلی دریاب و دریاب که دایم در صدف گوهر نباشد
(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۶۲).

حافظا ترک جهان گفتن طریق خوش‌دلی است تا پنداری که احوال جهانداران خوش است
(حافظ، ۱۳۹۴: ۴۳).

من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند
(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

وضع دوران بنگر ساغر عشرت برگیر که به هر حالتی این است بهین اوضاع
(حافظ، ۱۳۹۴: ۲۹۳).

نشاط و عیش و جوانی چو گل غنیمت دان که حافظا نبود بر رسول غیر بلاغ

(حافظ، ۱۳۹۴: ۲۹۵).

عیشم مدام است از لعل دلخواه کارم به کام است الحمدالله

(حافظ، ۱۳۹۴: ۴۱۷).

۴-۳. سنگدلی و جسارت

سنگدلی و جسارت از دیگر ویژگی‌های فردی و اجتماعی عیاران در انجام کارها و امور خطیر بود؛ به طوری که بی‌وجود این خصیصه، تحقق بسیاری از مأموریت‌های مهم و طاقت‌فرسا امکان‌پذیر نبود. حافظ در بیت ذیل از این ویژگی مهم عیاران پرده برداشته است:

کدام آهن دلش آموخت این آیین عیاری کز اوّل چون برون آمد ره شب زنده داران زد

(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

یا در شعر زیر:

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست منزل آن مه عاشق کش و عیار کجاست

(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۹).

۴-۴. شهر آشوبی

شهر آشوب در فرهنگ فارسی عمید به معنای، آشوبنده شهر؛ کسی که در شهر فتنه و آشوب برپا می‌کند؛ ویژگی آن که به واسطه حسن و جمال خود باعث فتنه و آشوب شود؛ همچنین از آهنگ‌های موسیقی ایرانی بکار رفته است (فرهنگ فارسی عمید ۱۳۸۹: ۷۶۷، ذیل شهر آشوب). حافظ نیز در شعر ذیل از صفت شهر آشوبی عیار سخن به میان آورده است:

چه عذر بخت خود گویم که آن عیار شهر آشوب به تلخی کشت حافظ را و شگر در دهان دارد

(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

حافظ می‌خواهد بگوید برای بخت خود چه عذری بیاورم که آن یار و محبوب زیبای شهر آشوب در حالی که شیرین سخن و خوش بیان است ما را از شدت تلخی و تندخویی از پای در آورد. صفت شهر آشوبی ناظر به یکی از صفات عیاران که همان غوغا و آشوب به راه انداختن در شهر است، می‌باشد. عیاران در بسیاری موارد با اعمال خود خواب و خور را از حاکمان ظالم می‌ربودند و در شهر غوغا و آشوبی به پا می‌کردند (بهار، ۱۳۶۶: ۱۶۱، ذیل تاریخ سیستان). البته حافظ در این شعر با هنرمندی ارتباط ظریف و شاعرانه‌ای بین دو واژه «عیار» و

«شهر آشوب» برقرارنموده و با نسبت دادن این دو صفت به محبوب، به آن توسع معنایی و حسی بخشیده است. یا در اشعار زیر نیز به شکلی کلی و غیرمستقیم از صفت شهر آشوبی عیاران بهره گرفته است:

فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را
(حافظ، ۱۳۹۴: ۳).

رسم عاشق کشی و شیوه شهر آشوبی جامه ای بود که بر قامت او دوخته بود
(حافظ، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

۴-۵. زیرکی و چالاکی

زیرکی و چالاکی از دیگر صفات و خصائل عیاران بوده است. آنان با تکیه بر این خصلت می توانستند در مواقع صعب و دشوار، خود را از تنگناها و صحنه های خطر برهانند.
خامی و ساده دلی شیوه جانبازان نیست خبری از بر آن دلبر عیار بیار
(حافظ، ۱۳۹۴: ۲۴۹).

حافظ در شعر فوق از صفت زیرکی و چالاکی عیاران تمجید به عمل آورده و از آن به عنوان عیار و میزانی برای راه و رسم عاشقان یاد نموده است. یا در شعر ذیل که حافظ باز به صفت زیرکی و چالاکی عیاران اشاره داشته است:

خیال زلف تو پختن نه کار خامان است که زیر سلسله رفتن طریق عیارست
(حافظ، ۱۳۹۴: ۶۶).

حافظ در شعر فوق می خواهد بگوید فکر وصل تو را در سر داشتن کار خامان نیست؛ بلکه به زیر زنجیر بلا تاب آوردن کار جوانمردان و عیاران زیرک، چالاک و دست از جان شسته است. یا در شعر زیر نیز به شکلی غیرایضاحی و غیرمستقیم از صفت چالاکی و چستی عیاران سخن به میان آورده و آن را در پیوندی نزدیک با آیین درویشی قرار داده است:

در مذهب طریقت خامی نشان کفر است آری طریق دولت چالاکی است و چستی
(حافظ، ۱۳۹۴: ۴۳۴).

۴-۶. شجاعت و بی‌باکی

شرط اصلی عیاری، شجاعت، بی‌باکی و دلاوری است. عیاری به بددلی نتوان کرد و بددلی به مفهوم کم‌جرئی و بیمناکی است (ناتل‌خانلری، ۱۳۴۸: ۲۶). لذا شجاعت و بی‌باکی و اجتناب از ترس و پریشانی، از ویژگی‌ها و خصلت‌های جدانشدنی عیاران بوده است. خصلتی که در کتاب‌هایی چون: «سمک عیار» (ارجانی، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۱۰، ۲۹۴)، قابوسنامه (عنصرالمعالی، ۱۳۷۴: ۱۸۷) و شمس و طغرا (خسروی، ۱۳۷۴: ۶۸؛ ۳۴۴؛ ۳۸۸) نیز به آن اشاره شده است. حضور عیاران در بیابان‌ها، گردنه‌های پریپچ و خم و مقابله‌ی آنها با دشمنان، بدون شجاعت نمی‌تواند امکان‌پذیر باشد. حافظ در شعر ذیل با توصیف و تعبیری ظریف از بی‌باکی و شجاعت عیاران سخن به میان آورده است:

زان طره پریپچ و خم سهل است اگر بینم ستم از بند و زنجیرش چه غم هر کس که عیاری کند
(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۹۱).

۵. نتیجه

عیاران گروهی اجتماعی و پراکنده بوده‌اند که تاریخچه شکل‌گیری آنان به ایران قبل از اسلام می‌رسد. شهرت و آوازه چشمگیر اجتماعی و اخلاقی آنان در میان جامعه، دامنه نفوذ آنان را کم یا زیاد به آثار منظوم و منثور ادبی نیز کشانیده است. دیوان حافظ شیرازی از نمونه آثار منظومی است که پاره‌ای از صفات، آیین‌ها و آموزه‌های اجتماعی این گروه اجتماعی را در اشکال مستقیم و غیرمستقیم در خود بازتاب داده است. حافظ هم به وجه مثبت و نیک معنایی و رفتاری عیاران یعنی شجاعت، چالاکی و زیرکی، خوش‌باشی، و هم به وجه نکوهیده آنان، یعنی صفت شهرآشوبی، شب‌روی و رهزنی آنان را در اشعار خود نظر داشته و با استعانت از مکانیزهای ادبی آن را در دیوانش بازتولید نموده است. کنش‌گری، فعالیت و تکاپوی عیاران به دنبال هجوم مغول و تبعات مخرب سیاسی و اجتماعی ناشی از آن در طی سده‌های هفتم و هشتم هجری، گستره دامنه فعالیت‌های آنان در طی این دوران، همچنین شهرت، حضور و هم‌نشینی عیاران در کنار امرای مظفری و اثرگذاری آنان در مسائل سیاسی و اجتماعی، تجلی برخی از

صفات، ویژگی‌های عیّاری و پهلوانی در شاهان و امرای آل اینجو و مظفری، نیز اهمیت و جذابیت این گروه اجتماعی، در توجّه حافظ به این گروه اجتماعی در اشعارش بی‌تأثیر نبوده‌است. حضور و تجلی عیاران پاره‌ای از ویژگی‌ها و آموزه‌های آنان در شعر حافظ، ناظر بر اصالت، و اثرگذاری این گروه اجتماعی در جامعه و وارد شدن آن در ساحت ادبی‌است. به طوری که حافظ با ظرافتی هنرمندانه این گروه اجتماعی و ویژگی‌های آن را در خلق مضامین عاشقانه، تعلیمی و عارفانه، نیز آفرینش معماری، حس‌آمیزی، فضاسازی خیره‌کننده و سحرانگیز اشعارش قرار داده‌است.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین (۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالصادر.
- ابن بزاز، توکلی بن حاجی اردبیلی (۱۳۲۸). به اهتمام احمد تبریزی، بمبئی: مظفری.
- ابن جوزی، محمد بن مکرم (۱۴۰۳). *المنتظم*، بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۲). *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر.
- ابن سینا، حسین (۱۳۸۱). *الاشارات و التنبيهات*، تحقیق مجتبی زارعی، قم: بوستان کتاب.
- احمدوند، عباس (۱۳۹۵). «نخستین نقش‌آفرینی سیاسی عیاران در بغداد قرن دوم»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)، سال بیست و ششم. دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۲۱، پاییز ۱۳۹۵: ص ۱۸-۵.
- ارجانی، فرامرز بن خداداد بن عبدالله (۱۳۶۳). *سمک عیار*، تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران: آگاه.
- افشاری، مهران (۱۳۸۲). *فتوت‌نامه و رسایل خاکساریه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- باقری خلیلی، علی اکبر (۱۳۸۸). «مبانی عیش و خوشدلی در غزلیات حافظ شیرازی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۶، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۸، ص ۳۳-۹.
- بکری، ابو عبیده (۱۹۵۸). *الأمثال*، تحقیق احسان عباس، مطبوعات جامعه الخرطوم.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۸). *نگاهی به تاریخ اساطیر ایران باستان*، به کوشش سیروس شمیسا، تهران: علم.
- جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر (۱۹۷۸). *الحيوان*، بیروت: دارالصعب.
- جعفرپور، میلاد؛ علوی مقدم، مهیار (۱۳۹۲). «مضمون عیاری و جوانمردی و آموزه‌های تعلیمی القایی آن در حماسه‌های منشور، مطالعه موردی: سمک عیار، داراب‌نامه و فیروزشاه‌نامه»، مجله متن‌شناسی ادب فارسی، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲: صص ۳۶-۱۳.
- جلالی‌پندری، یدالله (۱۳۹۱). «بررسی حیل‌ها و ترفندهای قدیمی در سمک عیار»، مجله جستارهای ادبی، علمی-پژوهشی، شماره ۱۷۷، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۳۲-۱۰۳.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۴). *دیوان حافظ*، بر اساس نسخه تصحیح شده غنی - قزوینی، به کوشش رضا کاکائی دهکردی. چ ششم، تهران: ققنوس.
- حاکمی والا، اسماعیل (۱۳۴۶). «آیین فتوت و عیاری»، سخن. ش ۱۹۳: ۲۷۸-۲۷۱.
- حسن آبادی، محمود (۱۳۸۶). «سمک عیار، افسانه یا حماسه؟»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۴۰، ش ۱۵۸: صص ۵۶-۳۸.
- خسروی، میرزا محمدباقر (۱۳۷۴). *شمس و طغرا*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۳). *حافظ حافظه ماست*، تهران: قطره.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۱). *فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی*، تهران: طرح نو.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶). *قلندریه در تاریخ (دگردیسی‌های یک ایدئولوژی)*، تهران: سخن.
- شجاع، انیس الناس (۱۳۵۶). به کوشش ایرج افشار، چ اول، تهران: بنگاه ترجمه و کتاب.
- شمس تبریزی، محمد بن علی بن ملک‌داد (۱۳۷۷). *مقالات شمس تبریزی*، تصحیح و تعلیق محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*، جیبی، تهران: راه رشد.

- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر (۱۳۷۴)، قابوسنامه، مصحح غلامحسین یوسفی، تهران: سخن.
- قبادی، حسینعلی (۱۳۸۶). «تأثیر شاهنامه‌ی فردوسی بر ادبیات عیاری»، فصلنامه زبان و ادب فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۲۰۱: ۹۶-۶۳.
- کتبی، محمود، (۱۳۳۵). تاریخ آل مظفر، مصحح و محقق: عبدالحسین نوایی، تهران: ابن سینا.
- کرمی‌پور، حمید (۱۳۹۷). «بررسی تحول آیین پهلوانی و عیاری در ایران با تأکید بر خراسان سده‌های هفت و هشت هجری»، مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، علمی- پژوهشی، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان: ص ۲۲-۱.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۴). آب و آینه (جستارهایی در ادب و فرهنگ)، تبریز: آیدین.
- گشتاسپ، فرزانه؛ مزدآپور، کتابون و شیرین گلزار مشکی (۱۳۹۴). «تأثیر کنش‌های سه‌گانه‌ی ایران باستان بر رموز آیین تشرف عیاران»، مجله مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال ششم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۴: صص ۸۶۶-۶۷.
- گمنام (۱۳۶۶). تاریخ سیستان، تصحیح ملک‌الشعرا بهار. به همت محمد رمضان، تهران: پدیده خاور.
- لغت‌نامه دهخدا، ذیل عیار.
- مجوزی، محمد و سیمیه شاهگلی (۱۳۹۸). «بررسی مضامین عیاری، جوانمردی و تعلیمی در رمان شمس و طغرا»، مجله پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. سال یازدهم، شماره چهل و یکم، بهار ۱۳۹۸: صص ۱۶۰-۱۳۱.
- محجوب، محمدجعفر (بی تا). «روش‌های عیاری و نفوذ کار و کردار عیاران در شاهنامه»، هنر و مردم، شماره ۱۷۸-۱۷۷، صص ۱۳-۲.
- معین‌الدین یزدی، جلال‌الدین محمد (۱۳۲۶)، مواهب الهی، جلد ۱، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، طهران: اقبال.

- موسوی، سید جلال (۱۳۹۱). «زمینه‌های ورود سعدی به آیین فتوت»، مجله تاریخ ادبیات، شماره ۳، ص ۱۶۴-۱۴۱.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۴۸). «آیین عیاری»، مجله سخن، دوره ۱۹، شماره ۱، ص ۲۶-۱۹.
- همّتیان، محبوبه؛ پوده، آزاده (۱۳۹۷). «رزم عیاران: تحلیلی بر شیوه‌ها، ترفندها و ابزارها براساس داستان حسین کرد شبستری»، مجله مطالعات تاریخ فرهنگی، سال نهم، شماره سی و پنج، بهار ۱۳۹۷: صص ۱۳۸-۱۱۵.

References

-Hoshang Jamasp, (1907), *Vendidâd*, Bombay, p.95.